ارزیابی میزان صادرات غیرنفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران: یک تحلیل تجربی (۱۳۸۳-۱۳۵۵)

یوسف محنت‌فر*

حسین خاکپور**

مطالعاتی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد در زمینه رابطه رشد و تجارت خارجی انجام شده است، بررابطه مثبت و معنی‌دار بین صادرات و رشد اقتصادی تأکید دارد. در این مقاله به بررسی افزایش میزان صادرات غیرنفتی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی طی دوره (۱۳۸۳-۱۳۵۵) با استفاده از به‌کارگیری مدلهای اقتصادسنجی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) پرداخته شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین افزایش صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی در کشور وجود دارد. بنابراین دولت باید در راستای افزایش صادرات غیرنفتی با اعمال سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیهای مطلوب و مناسب برای دستیابی به اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی گام بردارد تا از این طریق بتواند منابع درآمدی خود را با توجه به اهداف مهم افزایش اشتغال در کشور تأمین کند.

واژه‌های کلیدی: صادرات غیرنفتی، صادرات نفتی، رشد اقتصادی، صادرات مجدد، OLS

۱. مقدمه

در شرایط کنونی اقتصاد ایران توسعه صادرات غیرنفتی از مهم‌ترین مسائل سیاسی و اقتصادی است که باید مسئولان کشور در نظر بگیرند. از این‌رو آگاهی از سیاست تشویقی اعمال شده در جهان و همچنین بررسی لوایح و قوانین به‌منظور تشویق و افزایش توسعه صادرات در داخل کشور، امری ضروری است. توسعه صادرات غیرنفتی نه تنها از دیدگاه ارزآوری آن، بلکه از نظر ایجاد اشتغال در داخل کشور از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. به‌نظر می‌رسد تنوع صادرات غیرنفتی نه تنها دیدگاه اقتصادی، بلکه به‌عنوان یک راه حل سیاسی در راستای پیشبرد اهداف دولت نیز مؤثر است. خوشبختانه، امروزه مسئولان امر و حتی

* دانشجوی دکترای اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران

** دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

مردم هم می‌دانند که پیشرفت واقعی و پایدار اقتصادی کشور تا حد زیادی به توسعه صادرات و به‌دست آوردن بازارهای مطمئن در کشورهای مختلف وابسته است.

براساس اهداف برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ایران در ردیف صادرکنندگان بزرگ بسیاری از فرآورده‌های مهم صنعتی و راهبردی نظیر مس، آهن، آلومینیوم، سیمان، کودهای شیمایی، محصولات متنوع پتروشیمی، انواع دارو و سرم و بسیاری کالاهای دیگر قرار گرفته است، ولی شرط اساسی آن است که سیاستهای صادراتی مستمر وپایداری داشته باشیم همچنین باید نظام پولی و بانکی، بر توسعه صادرات غیرنفتی با هدف خودگردانی آتی اصرار داشته باشد.

اندیشه گسترش صادرات غیرنفتی از دیرباز در سطحی گسترده مورد توجه و اقبال کارشناسان امور اقتصادی بوده و از لحاظ نظری و عملی فراز و نشیبهای زیادی را پشت سرگذاشته است. واضح است کشور پهناوری مانند ایران که از منابع سرشار طبیعی برخوردار است، باید بتواند با تولید و صدور محصولات غیرنفتی در دنیا، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود اما طی نیم قرن گذشته، نفت، نه‌تنها مهم‌ترین کالای صادراتی، بلکه عامل اثرگذار ودیکته کننده برنامه‌ها و تحولات اقتصادی ایران بوده است. مطالعه روند تولید داخلی و صادرات کشور طی پنج دهه گذشته نشان می‌دهد که بین میزان تولید و حجم تجارت رابطه مستقیمی وجود دارد. صادرات غیرنفتی ایران به‌طور متوسط فقط ۵/۷ درصد کل صادرات کشور و ۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده است. در این مقاله نخست به ضرورت توسعه صادرات غیرنفتی و سپس اثر افزایش میزان صادرات غیرنفتی بر میزان رشد اقتصادی با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی می‌پردازیم. ضمن بررسی و تحلیل نتایج الگوهای پردازش شده، راهکارهای مناسب را برای توسعه صادرات غیرنفتی بررسی می‌کنیم. در ادامه دلایل ناموفق بودن صادرات غیرنفتی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان علاوه بر بررسی مشکلات صادرات غیرنفتی به ارائه پیشنهادهایی برای افزایش صادرات خواهیم پرداخت.

۲. ضرورت توسعه صادرات غیرنفتی

به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تک محصولی بودن و وابستگی اقتصاد آنها به صدور موادخام و اولیه است که آثاری منفی در ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی برجای گذاشته است. از آنجایی که بخش بزرگی از درآمدهای ارزی این کشورها فقط با صدور یک یا چند قلم مواد خام و اولیه به دست می‌آید، در برابر ناملایمات و فشارهای

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

خارجی ساختاری بسیار ضعیف و شکننده (حداقل در بلندمدت) قرار دارند. بدیهی است در چنین شرایطی هرگونه نوسان غیرعادی که در قیمت این کالا یا کالاهای محدودی که منابع اصلی درآمد این کشورها را تشکیل می‌دهد به وجود آید، آثار پردامنه‌ای بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی آنها برجای خواهد گذاشت.

براساس تحقیقاتی که به‌تازگی کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل (آنکتاد) انجام داده است؛ طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ شاخص قیمت مواد خام اولیه، یعنی منبع اصلی درآمد کشورهای جهان سوم، به‌طور چشمگیری کاهش یافت و این مسئله تعدادی از آنها را ناگزیر به بازنگری در ساختار اقتصادی خود کرد تا تنوعی در صادرات خود به وجود آورند. برای نمونه، می‌توان به کشور مالزی اشاره کرد که تا ۱۵ سال پیش منابع درآمدی محدودی داشت و بخش اصلی نیازهای خود را فقط از طریق صدور نفت خام، قلع و کائوچو تأمین می‌کرد اما الهام گرفتن از موفقیت‌های اقتصادی – تجاری کشورهایی مانند سنگاپور، تایوان، کره، هنک‌کنگ و حتی تایلند، به‌ویژه در زمینه توسعه صادرات، این کشور را نیز به تنظیم راهکار دراز مدت توسعه صنعتی و تنوع بخشیدن به منابع درآمد ارزی خود ترغیب کرد؛ به‌گونه‌ای که کشور مالزی موفق شد طی یک دوره هفت ساله ارزش صادرات غیرنفتی خود را از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ به حدود ۷۴ میلیارد ریال در سال ۱۹۹۵ میلادی افزایش دهد. موفقیت‌های اقتصادی این کشورها طی دو دهه اخیر به خوبی ثابت کرد که رشد و توسعه صادرات را باید یکی از مهم‌ترین نیروهای محرکه توسعه اقتصادی هر کشور و کلید رهایی از بسیاری از وابستگی‌ها دانست.

طی دو دهه اخیر اتخاذ راهبرد برون‌نگر و توسعه صادرات به‌ویژه در دسته‌ای از کشورهای جنوب شرقی آسیا نظیر کره‌جنوبی، تایلند، اندونزی، اهمیت صادرات را به‌عنوان یک منبع مهم تأمین ارز و موتور رشد اقتصادی آشکار کرد. معجزه کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌تواند به‌عنوان راهکارهای مهم برای برنامه‌ریزی رشد اقتصادی سایر کشورها محسوب شود، اما ترکیب کالاهای صادراتی از اهمیت دیگری برخوردار است. به اعتقاد آگاهان مسائل اقتصادی، اتکا به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، از چند دهه پیش مانع از آن شده که مسئولان برنامه‌ریز، برای ایجاد تنوع درآمد ارزی و توسعه صادرات کشور به نحو اساسی چاره‌اندیشی کنند.

کشور ما به علت افزایش شدید جمعیت، کاهش ذخایر نفتی و تنزل تدریجی بازده چاهها و بالارفتن هزینه استخراج، اطمینان نداشتن به آینده بازار جهانی و تغییرات قیمت نفت، ترمیم خسارتهای حاصل از جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، بازسازی اقتصاد، افزایش تعهدات ایران برای بازسازی و توسعه و تغذیه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

جمعیت جوان به ارز بیشتری نیازمند خواهد بود، در نتیجه راهی جز تأکید بیشتر بر صادرات غیرنفتی در پیش ندارد. بخش وسیعی از صنایع ایران با فرسودگی ماشین‌آلات و فن‌آوری روبه‌رو است و به بازسازی و فن‌آوریهای جانشین نیاز دارد. از این گذشته، روند افزایش مصرف داخلی به حدی است که تداوم صادرات نفت را در آینده با تردید جدی مواجه می‌کند. بنابر پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده در صورت تداوم رشد فعلی مصرف داخلی، طی ۱۲ سال آینده صادرات نفت به صفر خواهد رسید.

مجموعه عوامل مورد اشاره، آشکار می‌کند که برای رسیدن به اقتصاد بدون نفت باید راهبرد توسعه ملی و صادراتی کشور را مورد بازنگری قرار داده و حضور اقتصادی ایران را در بازارهای جهانی افزایش داد. بدون در نظر گرفتن موارد یادشده با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که ایران از سال ۱۲۷۰ تا سال ۱۳۸۳ هجری شمسی (به‌جز سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳ مقارن با نهضت ملی شدن صنعت نفت و در نتیجه سیاست‌گذاریهای صحیح و حمایت از تولیدات کشور و تشویق مردم به خرید کالای داخلی) پیوسته با کسری بودجه مواجه بوده است. متأسفانه بودجه کشور همواره بر صادرات هرچه بیشتر نفت اتکا داشته تا بتواند پاسخگوی وارداتی باشد که بیشتر حاصل پیشرفت نکردن کشور از نظر فن‌آوری بوده است. اقتصاد کشور ما به دلیل اتکا به نفت خام، دارای اقتصادی تک محصولی است. برای رهایی از این تنگنا باید عوامل بنیادی جامعه برای تنوع بخشی به صادرات غیرنفتی به کار گرفته شود.

براساس آمار به‌دست آمده، طی چند دهه اخیر توجه به رشد و توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی در ایران فقط زمانی قوت گرفته که صادرات نفت خام و درآمدهای حاصل از فروش نفت خام به‌گونه‌ای دستخوش رکود یا کاهش شده و فقط به دنبال بروز چنین شرایط بحرانی، تلاش برای رشد و توسعه صادرات غیرنفتی انجام شده است. روند سرانه صادرات نفتی و غیرنفتی طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۵۵) در جدول شماره (۱) نشان‌دهنده این موضوع است.

این جدول میزان صادرات غیرنفتی را در چهاردهه گذشته نشان می‌دهد. پیش از افزایش درآمدهای نفتی، میزان درآمد ارزی اسمی حاصل از صادرات غیرنفتی بسیار پایین بوده به‌طوری که تا سال ۱۳۴۴ صادرات غیرنفتی کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار گزارش شده است. این رقم در نهایت پس از افزایش درآمدهای نفتی تا پیش از انقلاب به حدود نیم میلیارد دلار رسید. پس از انقلاب تاسال ۱۳۶۴ روند صادرات غیرنفتی نزولی بود ولی در سال ۱۳۶۵ این روند رو به افزایش گذاشت و تا سال ۱۳۶۹ که سال شروع سیاستهای بازسازی و تعدیل اقتصادی بود میزان صادرات غیرنفتی به حدود یک میلیارد دلار رسید. از سال ۱۳۷۰ تاکنون ارزش صادرات غیرنفتی بیش از ۲/۵ میلیارد دلار است. در سالهای (۱۳۷۳-۱۳۷۲) با سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز میزان صادرات غیرنفتی به حدود ۳/۷ و ۴/۸ میلیارد دلار رسید که بالاترین

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

رقم صادرات غیرنفتی در چهار دهه پیش از آن بود. در سالهای بعد همواره رقم صادرات غیرنفتی حدود سه میلیارد دلار بوده است.

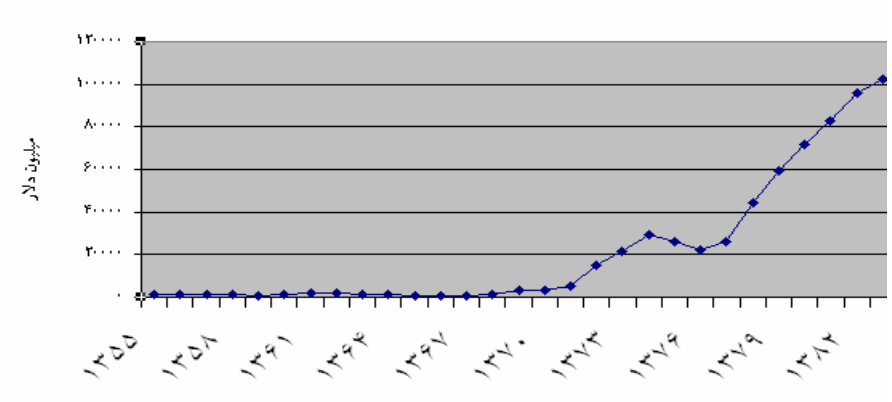
جدول شماره ۱. صادرات کل و سرانه نفتی و غیرنفتی کشور طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۵۵)

سال	صادرات نفت (میلیون دلار)	صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	سرانه صادرات نفت (ریال بر نفر)	سرانه صادرات غیرنفتی (ریال بر نفر)
۱۳۵۵	۱۳۲۹/۲	۵۴۰	۳۳۷۰۹	۰/۰۳۹۴	۰/۰۱۶۰
۱۳۵۶	۱۵۹۰/۳	۵۲۳	۳۵۰۲۵	۰/۰۴۵۴	۰/۰۱۴۹
۱۳۵۷	۱۰۱۳/۲	۵۴۳	۳۶۲۹۳	۰/۰۲۷۹	۰/۰۱۵۰
۱۳۵۸	۱۲۱۹/۷	۸۱۲	۳۷۸۱۵	۰/۰۳۲۶	۰/۰۲۱۵
۱۳۵۹	۸۸۸/۸	۶۴۵	۳۹۲۹۱	۰/۰۲۲۶	۰/۰۱۶۴
۱۳۶۰	۱۰۵۶/۴	۳۴۰	۴۰۸۶۲	۰/۰۲۵۹	۰/۰۰۸۳
۱۳۶۱	۱۶۸۹/۵	۲۸۴	۴۲۴۲۰	۰/۰۳۹۸	۰/۰۰۶۷
۱۳۶۲	۱۷۸۵/۱	۳۵۷	۴۴۰۷۷	۰/۰۴۰۵	۰/۰۰۸۱
۱۳۶۳	۱۴۰۷/۷	۳۶۱	۴۵۷۹۸	۰/۰۳۰۷	۰/۰۰۷۹
۱۳۶۴	۱۲۷۷/۴	۴۶۵	۴۷۵۸۷	۰/۰۲۶۸	۰/۰۰۹۸
۱۳۶۵	۴۳۴/۷	۹۱۶	۴۹۴۴۵	۰/۰۰۸۸	۰/۰۱۸۵
۱۳۶۶	۸۵۳/۲	۱۱۶۱	۵۰۶۶۲	۰/۰۱۶۸	۰/۰۲۲۹
۱۳۶۷	۸۰۹/۲	۱۰۳۶	۵۱۹۰۹	۰/۰۱۵۶	۰/۰۲۰۰
۱۳۶۸	۱۵۱۵/۱	۱۰۴۴	۵۳۱۸۷	۰/۰۲۸۵	۰/۰۱۹۶
۱۳۶۹	۳۳۵۷/۱	۱۳۱۲	۵۴۴۹۶	۰/۰۶۱۹	۰/۰۲۴۱
۱۳۷۰	۳۵۴۹/۴	۲۶۴۹	۵۵۸۳۷	۰/۰۶۳۶	۰/۰۴۷۴
۱۳۷۱	۵۱۴۱/۳	۲۹۸۸	۵۶۶۵۶	۰/۰۹۰۷	۰/۰۵۲۷
۱۳۷۲	۱۴۶۸۳/۲	۳۷۴۷	۵۷۴۸۸	۰/۲۵۵۴	۰/۰۶۵۲
۱۳۷۳	۲۱۴۷۹/۲	۴۸۳۱	۵۸۳۳۱	۰/۳۶۸۲	۰/۰۸۲۸
۱۳۷۴	۲۹۴۳۱/۲	۳۲۵۷	۵۹۱۸۷	۰/۴۹۷۳	۰/۰۵۵۰
۱۳۷۵	۲۶۰۸۱/۳	۳۱۲۰	۶۰۰۵۵	۰/۴۳۴۳	۰/۰۵۲۰
۱۳۷۶	۲۲۱۶۸/۳	۲۹۱۰	۶۱۱۳۵	۰/۳۶۲۶	۰/۰۴۷۶
۱۳۷۷	۲۵۹۵۵/۴	۳۱۸۵	۶۲۲۳۶	۰/۴۱۷۰	۰/۰۵۱۲
۱۳۷۸	۴۴۴۷۸/۶	۳۴۵۶	۶۳۳۵۶	۰/۷۰۲۰	۰/۰۵۴۵
۱۳۷۹	۵۹۴۴۸/۵	۴۱۸۱	۶۴۴۹۷	۰/۹۲۱۷	۰/۰۶۴۸
۱۳۸۰	۷۱۹۵۷/۶	۴۵۶۵	۶۵۶۵۸	۰/۰۹۵۹	۰/۰۶۹۵
۱۳۸۱	۸۲۶۶۷/۸	۵۲۷۱	۶۶۸۳۹	۰/۲۳۶۸	۰/۰۷۸۹
۱۳۸۲	۹۵۷۸۸/۹	۶۶۳۶	۶۸۰۴۳	۱/۴۰۷۸	۰/۰۹۷۵
۱۳۸۳	۱۰۲۵۳۵/۲	۷۵۷۶	۶۹۲۹۷	۱/۴۷۹۶	۰/۱۰۹۳

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سالنامه آماری ایران (۱۳۸۳) و گزارش مرکز توسعه صادرات ایران (۱۳۸۳)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

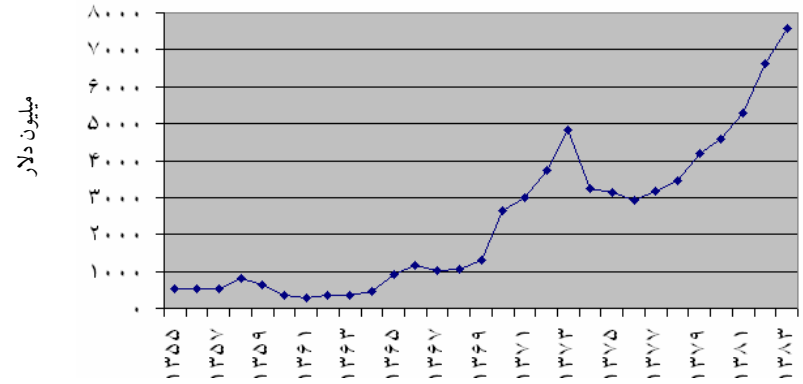
نمودار ۱: روند صادرات نفتی طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۵۵)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سالنامه آماری ایران (۱۳۸۳) و گزارش مرکز توسعه صادرات ایران (۱۳۸۳)

نمودار شماره (۱) نشان‌دهنده روند صادرات نفتی در کشور طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۵۵) است. صادرات غیرنفتی از شروع اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی اول به بعد دارای روند صعودی و قابل توجهی است. افزایش تولید نفت، افزایش تقاضای جهانی برای نفت خام و همچنین افزایش قیمت در سالهای اخیر موجب افزایش ارزش صادرات نفتی در اقتصاد کشور شده است.

نمودار ۲: روند صادرات غیرنفتی طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۵۵)

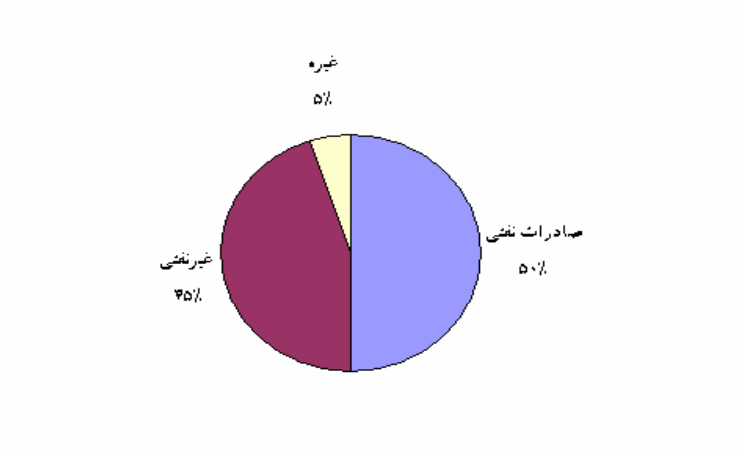


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سالنامه آماری ایران (۱۳۸۳) و گزارش مرکز توسعه صادرات ایران (۱۳۸۳)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

بررسی روند صادرات غیرنفتی، میزان فعلی آن و نگاهی به میزان واردات کالا، ضعف این بخش اساسی اقتصاد را به روشنی مشخص می‌کند. صادرات غیرنفتی به دلیل افزایش نرخ برابری دلار طی سالهای اخیر سودآور شده و روندی افزایشی داشته است. یکی از مباحث مطرح شده در ادبیات اقتصادی، آن است که کاهش ارزش پول داخلی موجب افزایش صادرات خواهد شد.

نمودار ۳: سهم صادرات نفتی و غیرنفتی از کل صادرات (۱۳۸۳-۱۳۵۵)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سالنامه آماری ایران (۱۳۸۳) و گزارش مرکز توسعه صادرات ایران (۱۳۸۳)

نمودار (۳) به بررسی سهم صادرات نفتی و غیرنفتی از کل صادرات کشور طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۵۵ پرداخته است. این نمودار نشان می‌دهد که سهم صادرات نفتی از کل صادرات از رقم بسیار بالایی برخوردار است. سهم صادرات غیرنفتی به‌رغم اقدامات مناسبی که در برنامه‌های توسعه اقتصادی به‌ویژه برنامه سوم، در راستای هدف‌گذاری برای افزایش میزان آن به‌عمل آمده تغییر قابل توجهی نکرده است و این موضوع بر میزان وابستگی اقتصاد کشور به صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن تأکید دارد.

۳. راهکارها و برنامه‌ریزی توسعه صادرات غیرنفتی

بخش خصوصی با همه تجارب و ظرفیتهایش باید پا به عرصه عمل گذارد و با عزم جدی وارد بازار صادرات کالا و خدمات شود. بدیهی است که باید با استفاده از ساختارهای سنتی و درعین حال بهره‌گیری از فن‌آوری مدرن بازرگانی و شرایط موجود، جایگاه صادرات غیرنفتی را ارتقا بخشد. در این راستا، کسب اطلاعات تجاری، تبادل هیئت‌های بازرگانی، نشر جزوه‌های اطلاعاتی، تشکیل کلاسهای آموزشی و برگزاری نمایشگاههای تخصصی و بازرگانی در داخل و خارج از کشور از عوامل مهمی است که باید

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

مورد توجه قرار گیرد. تربیت متخصصان در رشته‌هایی مانند بانکداری بین‌الملل، کارشناسی بیمه، حمل‌ونقل، کارگزاری، بازاریابی و مدیریت مالی نیز از عواملی است که ابزارهای ضروری برای صادرات غیرنفتی را تقویت خواهد کرد. تبلیغات در این رشته باید از فن‌آوری روز بهره برده و از استمرار برخوردار باشد، زیرا معرفی و تبلیغات مؤثر زمینه‌های مناسبی برای گسترش صادرات خدمات و کالاهای غیرنفتی فراهم می‌کند.

نیروی محرکه اصلی در هر حرکت اقتصادی، درآمد حاصل از آن حرکت است تا پس از پوشش هزینه‌ها، سود انتظاری معقولی به بار آورد. نرخ خرید ارز حاصل از صادرات، نقش به‌سزایی در رشد صادرات غیرنفتی دارد. بنابراین نرخ آن باید به‌گونه‌ای تعیین شود که وقتی صادرکننده، ارز حاصل از صادرات را به ریال تبدیل کرد، ضمن پوشش هزینه‌های انجام شده برای صدور کالا، سود معقولی را در مقایسه با سایر بخشها به‌دست آورد. بیشتر کشورهای در حال توسعه برای تشویق صادرکنندگان،از سیاستهایی نظیر برقراری نرخ بالاتر برای ارز حاصل از صادرات و نرخ معمول به‌علاوه جایزه یا امتیازاتی برای ارز حاصل از صادرات، در راستای توسعه صادرات استفاده می‌کنند. کاهش دیوان‌سالاری اداری و تدوین بخشنامه‌های صحیح نیز موجب تقویت صادرات می‌شود.

برای افزایش صادرات لازم است سیاست تجارت خارجی تقویت شود و مذاکراتی برای فراهم آوردن زمینه‌های انعقاد قراردادهای مشترک و توسعه صادرات و دستیابی به توازن نسبی در مبادلات خارجی انجام شود. همچنین در این راستا اتخاذ سیاستهای پولی و مالی هماهنگ با سیاستهای تجاری و صادراتی، استفاده صحیح از نظام ارزی و سیاستهای ارزی مناسب، تعیین نرخ ارز قابل قبول، بهره‌برداری کامل از سیاستهای مکمل نظیر سیاستهای گمرکی، بازاریابی، اعتبار مناسب، توجه به اهمیت نقش نظام بانکی در توسعه صادرات و توجه لازم به فن‌آوری نوین اطلاعات ضرورت دارد.

۴. چالشهای توسعه صادرات غیرنفتی در ایران

با وجود آثار و پیامدهای اتکا به درآمدهای حاصل از نفت خام و تأکید همه بر توسعه صادرات غیرنفتی، هنوز باور و عزم ملی برای رشد و توسعه صادرات در جامعه وجود ندارد زیرا هنوز بخشی از بدنه اجرایی و تصمیم‌گیری کشور و مردم نسبت به صادرات و صادرکننده دید چندان مثبتی ندارند. در چنین شرایطی طبیعی است که تصمیماتی اتخاذ شود که اگر به زیان صادرات و در راستای تنبیه صادرکننده و محدود کردن صادرات نباشد مطمئناً به سود صادرات و در راستای تشویق صادرکننده و توسعه صادرات نیز

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

نخواهد بود. بنابراین پیش از هر مشکلی باید مشکل نبود فرهنگ صادرات و عزم ملی برای توسعه صادرات را برطرف کرد.

معضل دیگر صادرات غیرنفتی که کاملاً ریشه در مشکل قبلی دارد، نداشتن راهکاری مدون و مشخص صادراتی و پیروی نکردن از خط‌مشی ثابت در زمینه صادرات است به‌طوری که این ضعف همواره یکی از بزرگترین مشکلات صادرکنندگان محسوب شده و از این رهگذر موانع بسیاری فراروی صادرکنندگان قرار گرفته است. زیرا تغییر مستمر قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با صادرات، اغلب موجب سردرگمی صادرکنندگان شده و مشکلات متعددی را برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان کالاهای صادراتی به همراه آورده است. نبود یک راهکار مشخص صادراتی موجب شده که از سیاستهای پولی، ارزی، مالی و تجاری مناسب برای توسعه صادرات نیز برخوردار نباشیم.

مطالعه و بررسی قوانین و مقررات مربوط به بازرگانی خارجی و روشهای مربوط به صادرات و مراحل اجرایی آن، مشخص می‌کند که هماهنگی لازم بین فعالیتهای سازمانها و مؤسسه‌های شاغل در بخش صادرات وجود ندارد، به‌طوری که براساس اعلام مؤسسه مطالعات و پژوهشهای وزارت بازرگانی، بیش از ۲۰ وزارتخانه، سازمان و مؤسسه مختلف اقتصادی و غیراقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در امر صادرات دخالت دارند که این موضوع تاکنون حاصلی جز تعدد مراجع تصمیم‌گیری و سردرگمی صادرکنندگان نداشته است.

ضعف ساختار تولید، انطباق نداشتن کیفیت بسیاری از کالاهای تولیدی با نیاز بازارهای مصرف خارجی، توجه به منابع کوتاه مدت بازارهای داخلی، ناکافی بودن نقدینگی صادرکنندگان برای تداوم فعالیتهای صادراتی، مشکلات قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی، نبود مشوق‌های لازم و کافی برای صادرات، ضعف صنعت بسته‌بندی و حمل‌ونقل، مشکلات مالیاتی و اخذ عوارض گوناگون از صادرکنندگان، نبود خدماتی صادراتی مورد نیاز، توسل به روشهای تجاری سنتی و نامطلوب، ضعف تشکلهای صادراتی، دشواری تهیه مواد اولیه مورد نیاز برای تولید کالاهای صادراتی، استفاده نکردن از منطقه آزاد تجاری برای تحقق اهداف صادراتی کشور و بسیاری مشکلات درون‌مرزی دیگر از معضلات این بخش هستند.

۵. مهم‌ترین خطوط اصلاحی برنامه دوم و سوم در زمینه صادرات غیرنفتی

- یکسان نبودن نرخ ارز و قابل تبدیل بودن پول رایج به نرخ شناور،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

- حذف روشهای دست و پاگیر اداری و گمرکی و ساده کردن مراحل ترخیص کالا برای واردات و صادرات به‌طوری که کنترل به امور قرنطینه‌ای و کالاهای ممنوع از نظر شرعی و قانونی محدود شود،
- تسهیل شرایط ورود و خروج به حرفه تجاری برای افراد علاقه‌مند و جلوگیری از انحصار،
- تمرکز دریافتهای دولتی حاصل از ورود و صدور کالا نظیر عوارض گمرکی، سود بازرگانی و حق ثبت فروش.

۶. بررسی عملکرد برنامه توسعه اقتصادی در بخش بازرگانی خارجی

بخش تجارت خارجی دربرگیرنده حساب جاری (صادرات و واردات)، حساب سرمایه و بدهی‌های خارجی است. طی برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی کشور مشکلات جدی بر سر راه توسعه صادرات غیرنفتی از نظر ساختار اقتصادی و حتی سیاستهای اقتصادی دولت وجود داشت ولی پس از گذشت دو برنامه اقتصادی و شروع برنامه سوم توسعه اقتصادی راهکارهای مختلفی برای بهبود بخش تجارت خارجی براساس مواد قانونی و اصلاحات درقوانین و روشها و همچنین خط‌مشی‌های صادراتی کشور به‌صورت کاربردی اتخاذ شد. عملکرد برنامه‌های مختلف نشان از وضع بهتر و مطلوب‌تر درسیاست توسعه صادراتی کشور می‌دهد[1]. در جدولهایی که در ادامه آمده به بررسی بازرگانی خارجی کشور در طول سه برنامه توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود.

---

۱. ارزش مبادلات تجاری ایران تا پایان سال ۲۰۰۵ به بیش از ۱۲۵ میلیارد دلار می‌رسد. ارزش صادرات کالا و خدمات ایران در ۲۰۰۵ به علت قیمتهای بالای نفت خام به ۶۵/۹ میلیارد دلار خواهد رسید که ۱۸/۶ میلیارد دلار نسبت به رقم سال ۲۰۰۴ رشد نشان خواهد داد. براین اساس، کالاهای غیرنفتی همچنان کمتر از ۲۰ درصد صادرات ایران را تشکیل می‌دهند، اما پیش‌بینی می‌شود رشد صادرات کالاهای غیرنفتی از رشد صادرات نفت طی پنج سال آینده پیشی بگیرد. ارزش صادرات نفت ایران طی سال ۱۳۸۴ با رشدی ۷ تا ۱۲ درصدی مواجه می‌شود و در نتیجه ارزش صادرات کالا و خدمات ایران به ۶۷/۳ میلیارد دلار می‌رسد. همچنین، ارزش واردات کالا و خدمات ایران در پایان سال ۲۰۰۵ به ۵۹/۸ میلیارد دلار خواهد رسید که نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار نسبت به رقم سال گذشته افزایش نشان می‌دهد. براین اساس، ارزش مبادلات تجاری ایران در ۲۰۰۵ به ۱۲۵/۷ میلیارد دلار خواهد رسید که نسبت به رقم ۹۱/۲ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۴ حدود ۳۴/۵ میلیارد دلار رشد نشان می‌دهد. ارزش مبادلات تجاری ایران در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ نیز به ترتیب ۷۵/۵ و ۷۲/۳ میلیارد دلار بوده است. پیش‌بینی می‌شود واردات کالا و خدمات ایران در سال ۲۰۰۶ به سطح ۶۲ میلیارد دلار برسد در نتیجه ارزش مبادلات تجاری ایران از ۱۲۹ میلیارد دلار نیز فراتر خواهد رفت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

جدول شماره ۲. بازرگانی خارجی در برنامه اول توسعه اقتصادی کشور (۱۳۷۲-۱۳۶۸) میلیارد دلار

	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	متوسط برنامه ۱
صادرات غیرنفتی	برنامه	–	–	–	–	۱۷/۷	–
	عملکرد	۱/۰۴	۱/۳۱				
	رشد برنامه (درصد)	–	–	–	–	۱۱/۸	–
	رشد عملکرد (درصد)	۰/۸	۲۵/۷	۱۰۱/۹	۱۲/۸	۲۵/۴	۲۹/۳
واردات	برنامه	–	–	–	–	–	–
	عملکرد	۱۲/۸۱	۱۸/۷۲	۲۹/۶۹	۲۹/۸۷	۲۰/۰۴	–
	رشد برنامه (درصد)	–	–	–	–	–	–
	رشد عملکرد (درصد)	۵۶/۶	۴۶/۲	۵۸/۵	۰/۷	-۳۲/۹	۲۵/۵

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۴.

جدول شماره ۳. بازرگانی خارجی در برنامه دوم توسعه اقتصادی کشور ۱۳۷۸-۱۳۷۳ میلیارد دلار

	سال	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	متوسط برنامه ۲
صادرات غیرنفتی	برنامه	–	۴/۴۷	۴/۸۴	۵/۲۵	۵/۶۹	۶/۱۷۵	–
	عملکرد	۴/۸۲	۳/۲۳	۳/۱۲	۳/۰۴	۳/۰۳	۴	–
	رشد برنامه (درصد)	–	۸/۴	۸/۴	۸/۴	۸/۴	۸/۴	۸/۴
	رشد عملکرد (درصد)	–	-۳۳/۱	-۳/۱	-۲/۶	-۰/۳	۳۲	۱/۴
واردات	برنامه	–	۱۷/۲۳	۱۷/۹۷	۱۸/۷۵	۱۹/۵۷	۲۰/۴۲	–
	عملکرد	۱۲/۲۱	۱۲/۳۱	۱۵/۱۲	۱۴/۲۰	۱۴/۳۲	–	–
	رشد برنامه (درصد)	–	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳
	رشد عملکرد (درصد)	–	۴/۴	۳۲/۸	-۶/۱	۰/۹	–	۵/۵

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۴.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

جدول شماره ۴. پیش‌بینی منابع و مصارف ارزی در لایحه برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۸) میلیارد دلار

شرح	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع سالهای برنامه
مصارف ارزی:							
واردات کالا و خدمات	۱۲۹۹۰	۱۹۷۲۶	۲۰۸۹۴	۲۲۳۱۳	۲۳۹۴۶	۲۵۵۵۸	۱۱۲۴۳۷
کالا	۱۳۸۱۷	۱۶۲۸۰	۱۷۲۴۲	۱۸۴۱۰	۱۹۷۵۵	۲۱۰۸۲	۹۲۷۶۹
خدمات	۳۱۷۳	۳۴۴۶	۳۶۵۲	۳۹۰۳	۴۱۹۱	۴۴۷۵	۱۹۶۶۸
منابع ارزی:							
صادرات کالا و خدمات	۱۸۱۵۲	۱۸۴۱۴	۱۹۵۰۰	۲۱۰۷۹	۲۲۷۹۷	۲۳۸۵۷	۱۰۵۶۴۷
نفت و گاز وفرآورده	۱۲۹۲۱	۱۲۶۴۷	۱۲۳۱۹	۱۲۵۴۳	۱۳۰۹۱	۱۳۵۴۹	۶۴۱۴۹
کالاهای غیرنفتی	۳۹۰۸	۴۵۸۱	۵۹۴۷	۷۱۸۸	۸۲۵۷	۸۸۰۰	۳۴۷۷۳
خدمات	۱۳۲۳	۱۱۸۶	۱۲۳۴	۱۳۴۸	۱۴۴۹	۱۵۰۸	۶۷۲۵
سایر منابع	–	۱۳۱۲	۱۳۹۴	۱۲۳۴	۱۱۴۹	۱۷۰۱	۶۷۹۰

مأخذ: لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۵. وضع تجارت خارجی ایران طی برنامه سوم توسعه اقتصادی میلیون دلار

شاخص	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	متوسط رشد سالیانه (درصد)		جمع دوره برنامه (میلیارد دلار)		درصد تحقق طی دوره برنامه
							برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	
صادرات کالا	۲۱/۰۳۰	۲۸/۴۶۱	۲۳/۹۰۴	۲۸/۲۳۷	۳۳/۹۹۱	۴۴/۴۰۳	۸/۲	۱۶/۱	۱۰۱/۷۷۷	۱۵۸/۹۹۶	۱۵۶/۲
صادرات کالاهای غیرنفتی	۳/۹۴۱	۴/۱۸۱	۴/۵۶۵	۵/۲۷۱	۶/۶۳۶	۷/۵۷۶	۲۰	۱۴	۲۷/۶۹۳	۲۸/۲۲۹	۱۰۱/۹
صادرات نفت و گاز	۱۷/۰۸۹	۲۴/۲۸۰	۱۹/۳۳۹	۲۲/۹۶۶	۲۷/۳۵۵	۳۶/۸۲۷	۴	۱۶/۶	۷۴/۰۸۴	۱۳۰/۷۶۷	۱۷۶/۵
صادرات غیرنفتی	۵/۳۳۷	۶/۱۹۳	۸/۰۵۳	۱۰/۲۹۶	۱۲/۸۸۵	۱۴/۵۶۷	۱۷/۹	۲۲/۲	۳۷/۱۹۳	۵۱/۹۹۴	۱۳۹/۸
صادرات خدمات	۱/۳۹۶	۲/۰۱۲	۳/۴۸۸	۵/۰۲۵	۶/۲۴۹	۶/۹۹۱	۱۱/۸	۳۸	۹/۵۰۰	۲۳/۷۶۵	۲۵۰/۲
صادرات کالا و خدمات	۲۲/۴۲۶	۳۰/۴۳۷	۲۷/۳۹۲	۳۳/۲۶۲	۴۰/۲۴۰	۵۱/۳۹۴	۸/۵	۱۸	۱۱۱/۲۷۷	۱۸۲/۷۶۱	۱۶۴/۲
واردات کالا و خدمات	۱۶/۳۶۲	۱۸/۵۸۳	۲۲/۱۱۲	۳۰/۵۶۴	۴۰/۳۴۵	۴۸/۴۴۲	۱۰	۲۴/۲	۱۲۲/۷۵۳	۱۶۰/۰۴۶	۱۳۰/۴
واردات خدمات	۲/۹۲۹	۳/۴۹۷	۳/۹۸۳	۸/۵۲۸	۱۰/۷۸۴	۱۱/۸۰۳	۷/۳	۳۲/۱	۱۹/۷۲۷	۳۸/۵۹۵	۱۹۵/۶
واردات کالا	۱۳/۴۳۳	۱۵/۰۸۶	۱۸/۱۲۹	۲۲/۰۳۶	۲۹/۵۶۱	۳۶/۶۳۹	۱۰/۶	۲۲/۲	۱۰۳/۰۲۶	۱۲۱/۴۵۱	۱۱۷/۹
تراز بازرگانی	۷/۵۹۷	۱۳/۳۷۵	۵/۷۷۵	۶/۲۰۱	۴/۴۳۰	۷/۷۶۴	–	–	-۱/۲۴۹	۳۷/۵۴۵	–

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

شاخص	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	متوسط رشد سالیانه (درصد)		جمع دوره برنامه (میلیارد دلار)		درصد تحقق طی دوره برنامه
							برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	
تراز کالا و خدمات	۶/۰۶۴	۱۱/۸۹۰	۵/۲۸۰	۲/۶۹۸	-۰/۱۰۵	۲/۹۵۲	–	–	-۱۱/۴۷۶	۲۲/۷۱۵	–
تراز حساب جاری	۶/۵۸۹	۱۲/۵۰۰	۵/۹۸۵	۳/۵۸۵	۸۱۶	۳/۹۸۹	–	–	–	–	–
تراز حساب سرمایه	-۵/۸۹۴	-۴/۵۷۳	۱/۱۵۰	۲/۵۳۴	۴/۴۷۶	۵/۵۷۵	–	–	–	–	–
تغییر در ذخایر بین‌المللی	۱/۸۴۵	۶/۵۲۹	۴/۷۶۰	۴/۶۶۷	۳/۷۱۰	۸/۲۸۲	–	–	–	۲۷/۹۴۸	–
سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در صادرات کالا (درصد)	۱۸/۷	۱۴/۷	۱۹/۱	۱۸/۷	۱۹/۵	۱۷/۱	–	–	۲۷/۲	۱۷/۸	–
سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در کل صادرات (درصد)	۲۳/۸	۲۰/۳	۲۹/۴	۳۱	۳۲	۲۸/۳	–	–	۳۳/۴	۲۸/۴	–
سهم خدمات در صادرات غیرنفتی (درصد)	۲۶/۲	۳۲/۵	۴۳/۳	۴۸/۸	۴۸/۵	۴۸	–	–	۲۵/۵	۴۵/۷	–
سهم خدمات در کل درآمدهای صادراتی (درصد)	۶۰/۲	۶/۶	۱۲/۷	۱۵/۱	۱۵/۵	۱۳/۶	–	–	۸/۵	۱۳/۰	–

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴.

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که فقط ۱۸ تا ۲۰ درصد صادرات کالای کشور را کالاهای غیرنفتی تشکیل می‌دهند. صادرات غیرنفتی نظیر صادرات گمرک، بازارچه‌های مرزی، چمدانی و نظایر آن در سال پایانی برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳) در مقایسه با سال قبل از آن معادل ۱۴/۲ درصد رشد یافته است، اما در حدود نه درصد از میزان پیش‌بینی شده در برنامه (معادل ۸ میلیارد و ۳۵۳ میلیون دلار) محقق نشده است. عملکرد صادرات کالاهای غیرنفتی طی برنامه سوم توسعه رشدی معادل ۱۴ درصد را نشان می‌دهد که در مقایسه با رشد ۲۰ درصدی کمتر است، ولی در مجموع طی برنامه سوم در حدود ۲۸/۲ میلیارد دلار کالای غیرنفتی صادر شد که حدود دو درصد بیشتر از برنامه محقق شده است. بنابراین درآمد پیش‌بینی شده طی برنامه سوم از محل صادرات کالاهای غیرنفتی، به‌طور کامل تحقق یافته است.

یکی از شاخصهای مهم در حوزه صادرات، سهم صادرات کالای غیرنفتی در کل صادرات است. بررسی شاخص نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ صادرات کالاهای غیرنفتی ۱۷/۱ درصد از صادرات کالا را تشکیل داده که این رقم در مقایسه با سال پیش از آن کاهش یافته است. مهم‌ترین دلیل این کاهش افزایش صادرات نفت بوده است. بررسی این شاخص نشان می‌دهد که در حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد صادرات کالای کشور را کالای غیرنفتی تشکیل داده و بقیه آن به نفت اختصاص دارد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

در صورتی که میزان صادرات نفت و گاز پیش‌بینی شده در برنامه معادل ۷۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شود (که تقریباً همین رقم در قوانین بودجه نیز در نظر گرفته شده و به درآمد ریالی تبدیل شده است)، این شاخص طی برنامه به بیش از ۲۷ درصد افزایش می‌یابد که ضمن مقایسه با رقم هدف ۲۷/۲ درصدی برنامه سوم، مطلوب ارزیابی شده و نشان‌دهنده این است که صادرات کالاهای غیرنفتی طی برنامه سوم توسعه تحقق یافته است. البته در شرایط احتساب پرداخت از محل حساب ذخیره ارزی به‌منظور برداشتهای بودجه‌ای و اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز برای پرداخت تفاوت دیون مشمول تغییر نرخ ارز، این شاخص نشان‌دهنده سهم ۲۴ درصدی صادرات کالاهای غیرنفتی در صادرات کالا است که حدود ۳/۵ درصد از رقم هدف برنامه کمتر است.

۷. صادرات خدمات

یکی از مشخصات بارز صادرات غیرنفتی، افزایش قابل توجه صادرات خدمات است که به‌طور متوسط سالیانه ۳۸ درصد رشد داشته است. طی برنامه سوم توسعه در حدود ۲۴ میلیارد دلار درآمد ارزی کشور از محل خدمات تأمین شده است که در حدود ۲/۵ برابر میزان در نظر گرفته شده طی برنامه سوم است. تحقق بالای صادرات خدمات موجب تحقق صادرات غیرنفتی کشور (کالاهای غیرنفتی و خدمات) ۴۰ درصد بیشتر از برنامه شده است. افزایش قیمت جهانی نفت طی برنامه سوم نیز با رشدی بیش از برنامه، موجب شد تا عواید ارزی کشور از صادرات نفت حدود ۱۳۱ میلیارد دلار شود که حدود ۷۷ درصد بیشتر از برنامه است.

افزایش ۱۸ درصدی درآمدهای ارزی کشور از محل صادرات کالا و خدمات و همچنین اتخاذ سیاستهای تسهیل واردات موجب رشد ۲۴ درصدی واردات کالا و خدمات کشور شد. این در حالی است که در برنامه سوم توسعه، رشد ۱۰ درصدی برای آن در نظر گرفته شده بود. با این حال تراز کالا و خدمات کشور طی برنامه سوم از مازادی معادل ۲۲/۷ میلیارد دلار برخوردار بوده است. در مجموع طی دوره برنامه سوم به دلیل اتخاذ سیاستهای تشویق صادرات خدمات به‌ویژه صادرات فنی – مهندسی و افزایش قیمت نفت، تراز بازرگانی کشور از وضع مطلوبی برخوردار شد و موجب ورود سرمایه به کشور و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی شد.

به موازات، وضع مطلوب تراز کالا و خدمات کشور به همراه افزایش ورود سرمایه حاصل از اجرای طرحهای جدید بیع متقابل در سه سال پایانی برنامه توسعه سوم، حدود ۲۸ میلیارد دلار به ذخایر ارزی کشور افزوده شد، در حالی‌که کشور طی این دوره با افزایش حدود ۵/۳ میلیارد دلار به بدهیهای قطعی خود روبه‌رو بوده است. در عین حال وضع مطلوب درآمد ارزی کشور حاصل از افزایش قیمت نفت و در پی آن صادرات نفت باعث شده تا حساب ذخیره ارزی کشور به‌رغم برداشتهای متعدد بودجه‌ای و اجرای

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، از موجودی مناسبی در سال پایانی برنامه برخوردار شود به‌طوری که موجودی نقد آن حدود ۹/۴ میلیارد دلار و مطالبات مربوط به تسهیلات ارزی حدود ۳/۶ میلیارد دلار بوده است. در واقع دارایی حساب ذخیره ارزی تا پایان برنامه سوم حدود ۱۳ میلیارد دلار بوده است. در نهایت، موجودی نسبتاً بالای حساب یادشده و وضع مطلوب ذخایر خارجی، قدرت بازپرداخت بدهیهای خارجی کشور را افزایش داده است.

۸. بررسی موضوع صادرات مجدد

امروزه صادرات به‌عنوان یکی از شاخصهای مهم اقتصادی در افزایش تولید ناخالص ملی مطرح می‌شود، ولی موضوعی که بعضی از کشورها در حال حاضر در پی آن هستند صادرات مجدد است زیرا که بعضی ازکشورها از طریق آن هر سال میلیاردها دلار درآمد کسب می‌کنند. امارات متحده عربی بیش از ۶۰ درصد کالاهای وارداتی خود را به خارج از کشور صادر می‌کند، به‌طوری که فقط ارزش صادرات مجدد خودرو و قطعات آن در امارات سالیانه به بیش از ۱۱ میلیارد دلار می‌رسد.

این موضوع شاید به ظاهر اهمیتی نداشته باشد ولی واقعیتهای پیچیده‌ای دارد که بیش از هر چیز، تلاش برای رسیدن به رهیافتهای تازه در اقتصاد را یادآوری می‌کند. در حقیقت راهبرد صادرات مجدد کالاها کم‌کم به یکی از گزینه‌های مهم تجارت جهانی کشورهای کوچک و غیرمولد تبدیل می‌شود که بیشتر از طریق مناطق آزاد این کشورها، صورت می‌گیرد. در ایران هم هدف از تشکیل مناطق آزاد، زمینه‌سازی برای صادرات مجدد بوده است. در حال حاضر هنگ‌کنگ یکی از مهم‌ترین کشورهای آسیای شرقی است که اقتصاد آن براساس صادرات مجدد است. ارزش صادرات مجدد این کشور به چین، در سال ۲۰۰۴ معادل ۸۵۰/۶۴۵ میلیون دلار هنگ‌کنگ بوده است.

رشد ارزش صادرات مجدد در سال ۲۰۰۴ به نسبت سال ۲۰۰۳ معادل ۲۰/۵ درصد بوده است. سهم چین در کل صادرات مجدد هنگ‌کنگ بالغ بر ۴۴/۹ درصد است. ارزش صادرات مجدد هنگ‌کنگ به ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ معادل ۳۰۲/۹۶۴ میلیون دلار هنگ‌کنگ است که رشد ارزش صادرات مجدد به ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ معادل ۶/۳ درصد بوده است. سهم ایالات متحده در صادرات مجدد ۱۶ درصد بوده است. هنگ‌کنگ به ژاپن و آلمان هم صادرات مجدد دارد. ارزش صادرات مجدد این کشور به ژاپن در سال ۲۰۰۴ معادل ۱۰۴/۷۳۳ میلیون دلار و به آلمان در همین سال ۵۷/۹۱۵ میلیون دلار هنگ‌کنگ بوده است.

انگلستان کشور دیگری است که در سال ۲۰۰۴ یکی از مقصدهای اصلی صادرات مجدد هنگ‌کنگ با ارزشی معادل ۵۷/۶۶۳ میلیون دلار هنگ‌کنگ بوده است. به همین ترتیب ارزش صادرات مجدد این کشور به تایوان و جمهوری کره به ترتیب ۴۴/۴۴۷ و ۴۲/۶۷۳ میلیون دلار هنگ‌کنگ بوده است. حجم

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

صادرات مجدد کالاها از این کشور در ژوئیه ۲۰۰۵ در حدود ۱۷ درصد رشد داشته است، در همین زمان حجم واردات کالاها به این کشور ۱۴ درصد افزایش داشته است، بنا به آمار موجود قیمت نهایی کالاهایی که از این کشور دوباره صادر شده، ۰/۲ درصد افزایش داشته است.

شرایط سنگاپور هم مشابه شرایط هنگ‌کنگ است یعنی صادرات مجدد این کشور دو وجه دارد، نخست صادرات محصولات داخلی ودیگری واردات برای صادرات مجدد است که در سال ۲۰۰۴ به حدود ۴/۶۴ میلیارد دلار رسیده است. در بررسی موضوع صادرات غیرنفتی لازم است به نکاتی اشاره شود. حدود۸۵ درصد زعفران صادراتی ایران به مقصد اسپانیا برای صادرات مجدد آن کشور صورت می‌گیرد. کشورهایی که اقدام به صادرات مجدد می‌کنند فقط هنگ‌کنگ و سنگاپور، مالزی و دبی نیستند، ایران هم می‌تواند در این مسئله رقابت قابل قبولی داشته باشد به شرط آنکه خود را با فضای جهانی این نوع تجارت همگام کند.

براساس پژوهشی که حول محور صادرات مجدد در دانشگاه کالیفرنیا در میشیگان صورت گرفته، کالاهایی که دوباره صادر می‌شوند نباید در فرایند اصلی تولید تعریف شوند. دربین اقتصاددانان جهانی این یک اصل است که تجارت اصلی همواره بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی رخ می‌دهد. براین اساس بنگاههای تجاری منابع ملی را در کشور خود به خدمت می‌گیرند تا کالایی تولید کنند که آن را به‌طور مستقیم به مصرف‌کنندگان کشورهای خارجی بفروشند. این مدل تجارت بین‌المللی تقریباً شالوده اصلی تمام الگوهای تجاری را تشکیل می‌دهد. کشورهایی چون هنگ‌کنگ و سنگاپور که جزو قوی‌ترین صادرکنندگان مجدد کالا در آسیا هستند، در ایجاد رقابت بین مشتریان و فروشندگان بازارهای مختلف تخصص دارند، به این معنا که بخش اساسی تجارت بین آسیا و سایر کشورهای جهان را میانجیگری می‌کنند. محصول بسته‌بندی نشده ایرانی به مبلغ هر کیلو ۲۵۰ تومان به ترکیه صادر می‌شود، در ترکیه این کالا دوباره بسته‌بندی می‌شود و با قیمتی معادل ۵۰۰ الی ۶۰۰ تومان روانه بازارهای اروپا می‌شود. این مسئله درآمدهای فراوانی برای این کشور ایجاد می‌کند.

۹. روش تحقیق

در این مقاله اطلاعات و آمارهای مورد نیاز از سالنامه‌های آماری سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و همچنین معاونت آمارهای اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی و گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی وزارت بازرگانی به‌صورت سری زمانی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به روشهای آماری و تحلیل الگوهای اقتصادسنجی و تعریف کلیه الگوهای مورد نظر پردازش شده است.

۱۰. جمع‌آوری، ساماندهی و تعریف اطلاعات

در مقاله حاضر متغیرهای مورد استفاده در الگوهای اقتصادسنجی به‌طور دقیق تعریف می‌شود تا دایره شمول متغیرها، دقیق و مشخص شود. در تعریف متغیرها از تعاریف صاحبنظران و اقتصاددانان براساس مطالعات اقتصادی استفاده شده است و متناسب با موضوع تحقیق و منطبق با واقعیتهای صادراتی کشور، متغیرها و شاخص مربوط انتخاب شده‌اند. در مدل مورد بررسی متغیرهای موجود به دو دسته مستقل و وابسته تقسیم شده‌اند. تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP_r) به‌عنوان متغیر وابسته، کل صادرات (X_t)، صارات غیرنفتی ($NoilX_t$)، صادرات نفتی ($OilX_t$) و نرخ ارز (ER) به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

از دیدگاه اقتصادی، صادرات عبارت است از بخشی از تولیدات داخلی که به سایر کشورها صادر می‌شود. در زمینه تجربی یا برآورد الگوی اقتصادسنجی از مجموعه آمارهای سری زمانی در کشور که سازمانهای ذی‌ربط منتشر کرده‌اند استفاده شده است.

۱۱. برآورد الگوهای اقتصاد سنجی

در مقاله حاضر سعی می‌شود که با استفاده از برآورد الگوی اقتصادسنجی به تعیین ضرایب متغیرها و به بررسی عوامل مؤثر در رشد اقتصادی بپردازیم. در این مدل اثر افزایش صادرات در میزان رشد اقتصادی مد نظر است. حدود بررسی زمانی در این مقاله مربوط به سالهای (۱۳۸۳-۱۳۵۵) است. در برآورد الگوی اقتصادسنجی از سیستم نرم‌افزاری Eviews و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است.

۱۲. بررسی نتایج الگوهای اقتصادسنجی برآورد شده

همان‌گونه که در مقدمه و چکیده عنوان شد هدف اصلی، بررسی نظری و تجربی عوامل اساسی برای افزایش صادرات غیرنفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی است. در این مقاله با توجه به نظریه‌های رشد در مورد نقش صادرات غیرنفتی به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، اثر کمی افزایش این متغیر بسیار مهم در اقتصاد، بر روی میزان رشد اقتصادی، پردازش و تفسیر می‌شود. در اینجا به بررسی نتایج حاصل از الگوی برآوردی می‌پردازیم:

$$GDP_r = F(ER, NoilXt, OilXt, Xt) \qquad (۱)$$

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

براساس این نظر که میزان رشد اقتصادی، حاصل متغیرهای گوناگونی است، به‌طور عمده صادرات نفتی و غیرنفتی و کل صادرات و همچنین تولید ناخالص داخلی را به قیمت واقعی در نظر گرفته‌ایم. براین اساس مدل اقتصادسنجی خود را تعریف و برآورد کرده و الگوی زیر را به عنوان الگوی اصلی در نظر می‌گیریم:

$$GDP_r = \alpha_0 + \alpha_1 ER + \alpha_2 NoilX_t + \alpha_3 X_t + \alpha_4 Oilx_t + U_i \qquad (۲)$$

X_t: نرخ رشد اقتصادی حاصل از کل صادرات

$OilX_t$: صادرات نفتی

$NoilX_t$: صادرات غیرنفتی

ER: نرخ ارز

U_i: جمله اخلال

نتایج کمی الگوهای اقتصادسنجی به روش مربعات معمولی در الگوی زیر نشان داده شده است.

(۳)

$$GDP_r = \underset{(۳۳/۷۹)}{۲۹۵۲۶/۱۴} + \underset{(۴/۲۷)}{۱/۴۵۹۹۳۰ER} + \underset{(۳/۱۱)}{۱/۶۶۱۴۹۹NoilX_t} + \underset{(۲/۳۶)}{۰/۱۱۷۶۷۱X_{t-1}} + \underset{(۵/۲)}{۰/۹۴۹۵۳۶AR(۱)} - \underset{(-۳/۸)}{۰/۶۳۴۳۵۳AR(۲)}$$

F=۲/۸۲ D.W=۲/۵۹ R^2=۰/۹۹

(اعداد داخل پرانتز آماره t است)

نتایج نشان می‌دهد که با افزایش یک میلیارد ریال صادرات غیرنفتی، تولید ناخالص داخلی واقعی به اندازه ۱/۶۶ میلیارد ریال افزایش پیدا خواهد کرد. در ضمن سایر متغیرهای مستقل هم بر تولید ملی و در نهایت بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال افزایش کل صادرات سالهای قبل بر میزان تولید ناخالص داخلی مورد توجه است به این معنی که افزایش یک میلیارد ریال در صادرات سال گذشته حدود۱۲ درصد بر میزان تولید ناخالص داخلی سال بعد مؤثر بوده است.

نتیجه گرفته می‌شود که یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان تولید ناخالص داخلی، افزایش صادرات به‌ویژه صادرات غیرنفتی در روند افزایش تولید ناخالص داخلی در سالهای اخیر بوده است. دولت در سیاستهای توسعه صادرات باید با دقت و سرعت بیشتری اقدامات اساسی در امور صادراتی را طی برنامه چهارم توسعه به‌عمل آورد. به دلیل اینکه افزایش صادرات غیرنفتی در سال قبل بر میزان تولید ناخالص داخلی در سال جاری مؤثر است، از مدل اقتصادسنجی AR (۱) و AR(۲) برای بررسی بیشتر اثر میزان صادرات غیرنفتی بر تولید ناخالص داخلی استفاده شده و نشان داده شده است که این مهم از دیدگاه نظریه اقتصادی نیز سازگاری دارد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

۱۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

راهبرد برون‌نگر و تأکید بر صادرات از سرمشق‌های کشورهای حوزه جنوب شرقی آسیا برای سایر کشورهای در حال توسعه است، تا حدی که امروزه صادرات را به‌عنوان موتور رشد اقتصادی معرفی می‌کنند. بررسی انجام شده در مورد صادرات کشور نشان‌دهنده آن است که طی چهاردهه گذشته صادرات نفتی بیش از ۸۵ تا ۹۴ درصد کل صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. از آنجا که بخش صادرات غیرنفتی سهم اندکی در تولید ناخالص داخلی و کل صادرات دارد، موتور چندان نیرومندی برای رشد اقتصادی محسوب نمی‌شود. صادرات نفتی نیز سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی و کشور دارد، اما به دلیل آنکه عایدی مربوط به صادرات نفتی به شدت تحت تأثیر بهای نفت است، در نتیجه این سهم قابل توجه و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، می‌تواند تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری کشور را با نوسانات بسیاری روبه‌رو کند. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی به‌عنوان یک جریان پیوسته نیاز به یک موتور قوی اما با دورهای منظم دارد. عایدی‌های صادرات غیرنفتی می‌تواند زمینه‌های مناسبی را برای برنامه‌ریزیهای کوتاه مدت و بلندمدت در مقایسه با صادرات نفتی فراهم کند. به همین دلیل متنوع‌تر کردن صادرات غیرنفتی با توجه به مزیتهای نسبی بالفعل و به‌کارگیری ظرفیتهای بالقوه در تجارت خارجی می‌تواند گام مؤثری برای کاهش اتکا به درآمد نفتی و ایجاد شرایط به نسبت با ثبات‌تری برای تمامی بخشهای اقتصادی محسوب شود.

مشکل کاهش ارزش صادرات غیرنفتی و سهم ایران در تجارت جهانی بیش از هر عامل دیگری، نه در موقعیت جغرافیایی، نه در منابع و نه در مزیتهای نسبی است بلکه معضل اساسی در مدیریت اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور است. مشکل در برداشتها، نگرشها و نحوه اجراست. در یک کلام، مشکل صادرات غیرنفتی ایران همان چیزی است که به عنوان نارسایی فرهنگ صادراتی تعبیر می‌شود. برای کاهش آسیب‌پذیری ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و مصون ماندن از نوسانات غیرعادی قیمت نفت و جلوگیری از وقفه در اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور، رشد و توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در ترکیب درآمدهای ارزی کشور راه حلی ضروری، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار است که باید جدی گرفته شود و موانع تحقق این مهم هرچه سریع‌تر برطرف شود.

به نظر می‌رسد دولت به‌خوبی با مشکلات و موانع توسعه اقتصادی و صادرات کشور آشناست. رفع موانع به سادگی امکان‌پذیر نیست و نیازمند هماهنگی کامل مجلس، دولت و گروههای با نفوذ و مؤثر سیاسی – مذهبی و تصمیم‌گیری قاطع است بنابراین:

- ضرورت تدوین نظام صادراتی و ترغیب به ایجاد تشکلها و اتحادیه‌ها و تنظیم نظام هماهنگ صادراتی برای بهره‌مندی از کل تواناییهای صادراتی کشور، یک ضرورت انکارناپذیر است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

- اعمال سیاستهای تشویقی برای تنوع بخشیدن به کالاها و خدمات صادراتی (کمکهای نقدی، معافیتهای مالیاتی یا بیمه صادرات) به‌منظور حمایت از صادرکنندگان و کاهش آسیب‌پذیری صادرات در برابر نوسانات تقاضای بین‌المللی و کاهش قیمت کالاهای صادراتی ضروری است.
- اعمال سیاستهای بلندمدت مالی و پولی و اجرایی صادراتی و تغییر نکردن و تبدیل نشدن متوالی موردی و مقطعی این سیاستها الزامی است.
- ایجاد فرهنگ صادراتی برای عموم مردم که باید صادرات را به عنوان ارزش تلقی کنند و ایجاد این باور در مردم که دومین موتور محرکه رشد اقتصادی، و پیشرفت یک کشور، صادرات است. در این راستا رسانه‌های عمومی می‌توانند در ایجاد فرهنگ عمومی صادرات نقش آفرین باشند.

منابع

الف) فارسی

امینی، علیرضا (۱۳۷۹)، "برآورد آمار اشتغال کشور ۷۵-۱۳۴۵"، *مجله سازمان برنامه و بودجه*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سال پنجم، شماره ۳۵، ص ۶۷-۳۵.

تهرانچیان، امیرمنصور (۱۳۸۰)، "تأثیر صادرات بر رشد در اقتصاد ایران"، *مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی*، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.

رجبیان، وحید (۱۳۸۱)، "استراتژی صادرات غیرنفتی ایران، راهکارها و مشکلات"، *مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی*، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹)، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۳.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲)، *گزارش عملکرد برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور*.

طاهری‌پور، فرزاد (۱۳۷۶)، *تحلیل عملکرد بازرگانی خارجی*، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه و توسعه.

فصلنامه اتاق بازرگانی، شماره ۱، سال ۱۳۷۸.

گزارشهای اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران (۱۳۸۲)، ترازنامه.

معاونت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۳)، *آمارهای اقتصادی*، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

معاونت طرح و برنامه گمرک، *سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران، سالهای ۱۳۸۲-۱۳۵۰*، گمرک جمهوری اسلامی ایران.

ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران (۱۳۷۹)، "گزارش اقتصادی در خصوص صادرات غیرنفتی"، شماره ۹.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

نشریه انجمن اقتصاد انرژی ایران (۱۳۸۲)، "گزارش اقتصادی در خصوص صادرات غیرنفتی"، روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران.

نصیرزاد، مهران (۱۳۷۴)، *تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

ب) انگلیسی

Feder, Gershom (1982), "On Export and Economic Growth", *Journal of Development*, No. 12, pp. 59-73.

Helleiner, G.K. (1995), *Manufacturing for Export in the Developing World: Problems and Possibilities*, London, Rot ledge.

Khan, M.S. and Zuliu Hu (1997), "Why Is China Growing So Fast?" Washington, D.C., IMF.

Khan, MS and C.M Reinhart (1990) "Private Investment and Growth in Developing Countries", *World Development*, No. 1, pp. 19-24.

Lall, S. (1998), "Exports of Manufactures by Developing Counties: Emerging Patterns of Trade Location*", Oxford review of Economic*.

Ram, Rati (1985), "Export and Economic Growth*", Developing and Cultural Change*, No. 33, pp. 415-425.

Roberts, M., Chang S. and Yan AW B. (2000), "Micro – Level Evidence from Taiwan (China) and The Republic of Korea" ,*The World Bank Economic Review*, Vol. 14, No. 1, pp. 65-91.

Sheeley, J.E (1990), "Export and Growth", *Journal of Development Studies*, Vol. 2, No. 1, pp. 111-116.

UNCTAD (2002), *World Investment Report: Transnational Corporations and Export Competitiveness*, UN.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-16]